



عوامل خطر ساز در خانواده و گرایش به جرائم مواد مخدر رابطه عوامل خطر ساز در خانواده با گرایش به جرائم مواد مخدر با تأکید بر پیشگیری رشد مدار (مورد مطالعه: زندانیان شهرستان یزد)

اکبر زمان زاده^۱ و محمدرضا شادمان فر^۲

۱. دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اصفهان (خوراسگان)، اصفهان، ایران.
zamanzad1363@yahoo.com

۲. استادیار و عضو هیئت‌علمی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اصفهان (خوراسگان)، نویسنده مسئول: Mrsh23@gmail.com

چکیده

زمینه و هدف: یکی از عوامل زمینه‌ساز گرایش به جرائم مواد مخدر، عوامل خطر ساز در خانواده است. از این رو، شناسایی و تأثیر عوامل خطر در گرایش افراد به جرائم مواد مخدر و سپس به کارگیری تدابیر پیشگیرانه متناسب با آن بسیار مهم است. هدف از انجام این تحقیق، بررسی رابطه عوامل خطر ساز در خانواده با گرایش به جرائم مواد مخدر با تأکید بر پیشگیری رشد مدار است.

روش: این تحقیق به صورت توصیفی - پیمایشی است. اطلاعات تحقیق به صورت کتابخانه‌ای و داده‌ها به وسیله پرسش‌نامه محقق ساخته با ضریب آلفای کرونباخ ۰/۸۶ جمع‌آوری شد. جامعه آماری تحقیق، زندانیان مواد مخدر شهرستان یزد بوده‌اند که به شیوه طبقه‌ای متناسب با حجم ۲۹۸ نفر انتخاب شد و برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از آماره‌های توصیفی و تحلیلی استفاده شد.

یافته‌ها: نتایج تحقیق نشان داد تحصیلات پایین والدین، درآمد پایین و مشکلات مالی خانواده، سطح پایین پایگاه اقتصادی و اجتماعی خانواده، سابقه ارتکاب جرائم مواد مخدر در بین اعضای خانواده و طلاق و جدایی والدین به‌عنوان عوامل خطر ساز در خانواده در گرایش زندانیان به جرائم مواد مخدر مؤثر بوده‌اند.

نتیجه‌گیری: از مهم‌ترین عوامل حمایتی در زمینه پیشگیری رشد مدار با رویکرد خانواده محور، برنامه مبتنی بر آموزش والدین، خانواده‌درمانی، حمایت اقتصادی و توانمندسازی خانواده‌های در معرض خطر بودند. **کلید واژه‌ها:** پیشگیری رشد مدار، خانواده، زندانیان مواد مخدر، شهرستان یزد، عوامل خطر، عوامل حمایتی.

◀ **استناد (به شیوه APA ویرایش ۶):** زمان‌زاده، اکبر؛ شادمان‌فر، محمدرضا (پاییز و زمستان ۱۳۹۶). رابطه عوامل خطر ساز در خانواده با گرایش به جرائم مواد مخدر با تأکید بر پیشگیری رشد مدار (مورد مطالعه: زندانیان شهرستان یزد). *دوفصلنامه پژوهش‌های انتظامی-اجتماعی زنان و خانواده*، ۵ (۲)، ۱۳۷-۱۵۶.

مقدمه

گسترش روزافزون رفتارهای انحرافی از جمله جرائم مواد مخدر و مشروبات الکلی، تخریب اموال عمومی، فرار از خانه و مدرسه و اعمال خشونت‌آمیز در بین جوانان موجب شده است تا تبیین بزهکاری اینگونه افراد و کشف علل و عوامل مؤثر بر رفتار بزهکارانه آن‌ها در کانون توجه جامعه‌شناسی انحرافات قرار گیرد. لذا بهترین راه مبارزه با جرم، مبارزه با عوامل به وجود آورنده آن جرم است. یک‌بخشی از این عوامل، عوامل اجتماعی است. لذا با توجه به گستردگی عواملی که در گرایش افراد به سوی جرائم مواد مخدر تأثیر دارند، خانواده به‌عنوان اولین گروه اجتماعی که فرد در آن رشد می‌کند تأثیر چشمگیری در این خصوص خواهد داشت. نابسامانی در خانواده، همانگونه که نقش مهم حمایتی را ایفا می‌کند، خود عامل جرم‌زا و دلیل گرایش افراد به جرائم مواد مخدر است، لذا در پاسخ‌های پیشگیرانه، خانواده به عنوان یک نهاد در یک اقدام کنشی به استقبال جرم می‌رود. پیشگیری رشد مدار یکی از شاخه‌های پیشگیری اجتماعی است که درصد به‌کارگیری عوامل حمایتی در برابر عوامل خطرزایی است که زمینه انحراف و ناهنجاری را ایجاد می‌کند. از رویکردهای مهم پیشگیری رشد مدار، رویکرد خانواده محور است که به دنبال به‌کارگیری عوامل حمایتی در برابر عوامل خطرزای موجود در خانواده است. این مقاله پس از بررسی عوامل خطرزای موجود در خانواده که زمینه گرایش زندانیان مواد مخدر شهرستان یزد را به جرائم مواد مخدر فراهم می‌کند، به برنامه‌های پیشگیرانه و اقداماتی که این نهاد با در نظر گرفتن آن‌ها می‌تواند از گرایش جرائم مواد مخدر در جامعه جلوگیری کند می‌پردازد.

بدیهی است که توسعه و پیشرفت جوامع تا حد زیادی به نیروی انسانی سالم، متعهد، متخصص و جوان بستگی دارد. اما یکی از عواملی که در نابودی نیروی انسانی جوامع سهم بسزایی دارد، گرایش جوانان به سوی جرائم مواد مخدر است. مرتکبان اینگونه جرائم، فرصت‌های جبران‌ناپذیری را از حیث تحصیل و اشتغال از دست می‌دهند که این امر آثار و عواقب ناخوشایندی را برای زندگی آتی آن‌ها به دنبال دارد. معضل جرائم مواد مخدر به‌عنوان یکی از مهم‌ترین چالش‌های امروز بشر و از جمله بحران‌های اجتماعی حال حاضر در جوامع انسانی است. شدت و حجم این تهدید فراگیر در کشور ما نیز به دلایل مختلف سیاسی، همجواری با بزرگ‌ترین تولیدکننده مواد مخدر در جهان و قرار گرفتن در اصلی‌ترین مسیر ترانزیت مواد مخدر تولیدی افغانستان به غرب و اروپا و حتی مصرف آن در داخل کشور، بسیار زیاد و نگران‌کننده برآورد می‌شود؛ به‌گونه‌ای که استان‌های شرق و حاشیه شرقی کشور، از جمله سیستان و بلوچستان، خراسان رضوی، جنوبی و شمالی، کرمان، هرمزگان، فارس و یزد بیش از سایر نقاط کشور درگیر این معضل هستند تا جایی که طبق آمار به دست آمده در سال ۱۳۹۰، از کل مواد مخدر کشف شده در کشور به میزان ۴۹۳،۹۰۲ کیلوگرم، میزان مواد مکشوفه در استان یزد، ۱۳،۲۶۸ کیلوگرم و از کل زندانیان وارد شده به زندان‌های کشور در همین سال میزان زندانیان مواد مخدر ۲۹/۱ درصد بوده، درحالی‌که این میزان در استان یزد با افزایش ۸ درصدی نسبت به میانگین کشوری، ۳۷/۲ بوده است (سالنامه، ۱۳۹۲). بنابراین،

بررسی علل ارتکاب گرایش افراد به جرائم مواد مخدر، بالأخص در استان‌هایی که بیشتر در معرض این آسیب اجتماعی قرار دارند ضروری به نظر می‌رسد. فارغ از آمار رو به افزایش کشف مواد مخدر و جرائم مربوط به آن، چالش جدی دیگر، مسئله پیشگیری از جرائم مواد مخدر در جامعه است. بدیهی است در این مسیر، شناسایی علل گرایش مجرمان و سپس به‌کارگیری اقدامات پیشگیرانه یکی از مهم‌ترین سیاست‌هایی است که باید در کنترل یا به حداقل رساندن اینگونه جرائم از سوی دولت و جامعه مدنی اتخاذ شود. «عمدتاً سیاست غیر کیفری و پیشگیرانه بر این استدلال مبتنی است که هدف ارضایی یا اصلاحی مجازات در مورد برخی مجرم‌ها، کارگر نیست و هدف از سلب حقوق و توانایی فرد بزه‌کار، تضمین این امر است که با خارج از دور کردن مجرم، دیگر مرتکب جرم نشود» (نجفی ابرنآبادی و هاشم بیگی، ۱۳۷۷، ص ۱۸۵). با این هدف، قانون‌گذار در قوانین فرادستی و فرودستی و به‌ویژه اصل ۱۵۶ قانون اساسی و سیاست‌های کلی مبارزه با مواد مخدر (۱۳۸۵) و قانون پیشگیری از وقوع جرم (مصوب ۱۳۹۴)، اهمیت پیشگیری از جرائم در جامعه را درک کرده تا جایی که در قانون اخیر با نوآوری به تعریف پیشگیری از جرم نیز پرداخته و در ماده ۱، پیشگیری از جرم را پیش‌بینی، شناسایی و ارزیابی خطر وقوع جرم و اتخاذ تدابیر و اقدامات لازم برای از میان بردن یا کاهش آن تعریف می‌کند. بنابراین، توجه به سیاست غیر کیفری و اتخاذ تدابیر و اقدامات لازم برای از بین بردن یا کاهش عوامل ارتکاب جرم در جامعه از سوی قانون‌گذار نشان از اهمیت و تأثیر زیاد مقوله پیشگیری در کاهش و کنترل جرائم دارد.

سیاست غیر کیفری که به‌طور خاص ناظر بر پیشگیری است یا بر خود فرد اعمال می‌شود (پیشگیری فرمدار) یا بر وضعیت او (پیشگیری وضعی)؛ زیرا فرض بر آن است که تعامل میان عوامل شخصی و وضعی، فرد را در معرض ارتکاب جرم قرار داده و ما در صدد خنثی کردن آن هستیم. «پیشگیری رشد مدار به‌عنوان قسمی از پیشگیری فرمدار، نوعی پیشگیری کنشی است و منظور از آن، مجموعه‌ای از اقدامات مناسب غیر کیفری است که از طریق کاهش یا از بین بردن علل جرم‌زا در جهت جلوگیری از رخ دادن بزه نقش مؤثری ایفا می‌کند» (جمشیدی، ۱۳۸۸، ص ۲۳۵) و هدف از آن، شناخت کودکان، نوجوانان و جوانان در معرض خطر و اتخاذ اقدامات مناسب برای دور کردن آن‌ها از وضعیت خطرناک است. پیشگیری رشد مدار با رویکرد خانواده محور نیز رویکردی است که با توجه به اهداف و ویژگی‌های خود می‌تواند در باب سیاست‌های غیر کیفری نقش مهمی را ایفا کرده و با شناسایی و سنجش تأثیر عوامل خطر ساز جرائم مواد مخدر در خانواده‌ها و مورد مطالعه قرار دادن مجرمان اینگونه خانواده‌ها به‌عنوان یکی از جرائم بسیار مهم و در حال رشد در سطح جامعه، تمرکز خود را بر حفاظت، حمایت و بهبود وضعیت فردی و خانوادگی افراد در معرض خطر به کار گیرد و با آموزش و حمایت از چنین خانواده‌هایی، در کنترل یا کاهش جرائم مواد مخدر و رفع این معضل و آسیب جدی در جامعه اقدام کند. علاوه بر آن، توجه به نقش خانواده به‌عنوان یکی از نهادهای مهم و مؤثر در پیشگیری از جرائم مواد مخدر در بندهای ۴ و ۹ سیاست‌های کلی نظام (۱۳۸۵) و فرمایش مقام معظم رهبری (مدظله العالی)، اهمیت



این نهاد را به‌عنوان یکی از نهادهای جامعه‌پذیر و پیشگیری‌کننده بیش از پیش نمایان می‌سازد؛ اما چگونگی رسیدن به این هدف و شناسایی برنامه‌های حمایتی خانواده محور، از ضروریات و نکات نابی است که جز با بررسی دقیق، تحقیق، آسیب‌شناسی و مطالعه عوامل خطر ساز در محیط خانواده و سپس حرکت در جهت رفع آن امکان‌پذیر نخواهد بود.

بنابراین آن چیزی که مدنظر محققین در این مقاله است، عواملی است که بر فرد تأثیر می‌گذارد و یکی از این عوامل، محیط خانواده است که با بررسی عوامل خطر ساز و میزان تأثیر و رابطه آن در گرایش افراد به جرائم مواد مخدر و پر کردن خلاءها در این محیط می‌توان در جهت پیشگیری، کنترل یا به حداقل رساندن این آسیب اجتماعی در جامعه اقدام کرد.

این تحقیق با هدف بررسی رابطه عوامل خطر ساز در خانواده با گرایش به جرائم مواد مخدر با تأکید بر پیشگیری رشد مدار با رویکرد خانواده محور، از یک‌سو به عوامل خطر ساز خانواده نابسامان از جمله میزان تحصیلات، نوع شغل، درآمد پایین، جدایی والدین (طلاق)، پایین بودن پایگاه اقتصادی - اجتماعی و سابقه ارتکاب جرائم مواد مخدر در بین اعضای خانواده می‌پردازد و از سوی دیگر با ارائه برنامه‌های حمایتی و پیشنهادها در راستای پیشگیری رشد مدار، به دنبال حذف یا کاهش عوامل خطر در خانواده است و سعی می‌شود تا بتواند در پایان به هریک از سؤالات زیر پاسخ دهد.

- مهم‌ترین عوامل خطر ساز در خانواده‌ها که در گرایش افراد به جرائم مواد مخدر مؤثرند، کدام است؟
- اقدامات پیشگیرانه و برنامه‌های حمایتی خانواده محور در جهت رفع یا کاهش عوامل خطرزا در خانواده‌های نابسامان کدامند؟

در پژوهشی که هافمن^۱ در زمینه بزهکاری انجام داد، دریافت که جوانان در خانواده‌هایی که والدین آن‌ها نظارت کمی بر اعمال و رفتار آن‌ها دارند، احتمال اینکه به رفتارهای بزهکارانه سوق پیدا کنند بیشتر است (هافمن، ۲۰۰۵، ص ۷۵۳). علاوه بر آن، هاگان و فوستر^۲ در پژوهشی که در مورد بزهکاری نوجوانان انجام دادند، دریافتند که مردان نسبت به زنان بزهکارتر و نوجوانان دارای خانواده تک والدی نسبت به خانواده‌های والدینی از بزهکاری بیشتری برخوردارند (هاگان و فوستر، ۲۰۰۳، ص ۶۷). اندرسون^۳ نیز به این نتیجه رسید، نوجوانانی که در خانواده تک والدی زندگی می‌کنند یا در خانواده‌های نابسامان بسر می‌برند، احتمال رفتارهای بزهکارانه آن‌ها بیشتر است. (اندرسون، ۲۰۰۲، ص ۵۸۵). در رابطه با سطح تحصیلات والدین نیز پژوهش‌ها نشان می‌دهند والدینی که از سطح بالای تحصیلات برخوردارند در مواجهه و برخورد و رابطه برقرار کردن با

1. Hoffman
2. Hagan & Foster
3. Anderson

فرزندانشان، از مهارت کافی برخوردارند. ساکر و همکاران در پژوهشی که بر روی ۱۶۵ نوجوان مجرم از طریق مصاحبه مورد مطالعه قرار دادند، دریافتند که اغلب نوجوانان بزهکار دارای خانواده‌های نابسامان و به لحاظ آموزشی در سطح پایینی هستند و کنترل و نظارت کافی در خانواده آن‌ها وجود ندارد (ساکر و همکاران، ۲۰۰۵، ص ۴۳۰).

پاولوی^۲ و همکاران (۲۰۱۰) در تحقیقی در فرانسه، رفتار معنادار زندانی به مواد مخدر را بررسی کرده و به این نتیجه رسیدند که عوامل اقتصادی از مهم‌ترین عوامل گرایش به جرائم مواد مخدر بوده است (به نقل از احمدی، دوستی و میرفندرسکی، ۱۳۹۵، ص ۷۲). نتایج پژوهش باقری و همکاران با موضوع «بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر پدیده اعتیاد در اهواز» نشان داد بین اعتیاد اعضای خانواده با اعتیاد فرد رابطه مثبت معنادار وجود دارد (باقری، نبوی و ملتفت، ۱۳۸۹، ص ۱۲۷). نتایج پژوهش حاجلی و همکاران با موضوع «نگرش مردم به مواد مخدر» نشان داد که خانواده مجرمان، بیکاری، طلاق و جدایی، ضعف تربیت و آموزش، مشکلات مالی، خطرپذیری و در دسترس بودن مواد مخدر بیشترین تأثیر را در گرایش افراد به جرائم مواد مخدر داشته‌اند (حاجلی، زکریایی و حجتی کرمانی، ۱۳۸۹، ص ۹۶). نتایج پژوهش شهره با موضوع «شیوع مصرف و گرایش به مواد مخدر در میان دانشجویان پسر شهر رشت» نشان داده است که علت مصرف مواد در افراد، مصرف خانواده، بیکاری، عدم امکانات تفریحی و مشکلات خانواده است (شهره، ۱۳۸۵، ص ۲۸۳).

از بررسی نظریه‌های متعدد جامعه‌شناختی درباره جرم و انحراف، به این نکته مهم پی برد که کج روی و بزهکاری آن‌چنان اشکال گوناگونی از فعالیت را در بر می‌گیرد که ممکن نیست بتوانیم نظریه واحدی را برگزینیم؛ که آن نظریه بتواند همه اشکال بزهکارانه را تبیین کند. از این رو، جهت پیشگیری از جرم باید این مسئله به‌طور علمی و عینی مورد بررسی قرار گیرد و به ناچار باید به تلفیق جنبه‌های همگرایی نظریه‌های موجود (از جمله نظریه معاشرت‌های افتراقی، نظریه فشار ساختاری، نظریه کنترل اجتماعی و نظریه مارکسیسم) پرداخت و چارچوب نظری را تدوین نمود. اما قبل از اشاره به این موضوع و نظریه‌های جرم‌شناسی و جامعه‌شناسی و دلیل گرایش افراد به جرائم را از دید هر یک از این نظریه‌ها مورد بررسی قرار دهیم، لازم است ویژگی‌های مهم و هدف پیشگیری رشد مدار که در جهت جلوگیری یا کنترل جرائم به کار گرفته می‌شود مورد اشاره قرار گیرد. ویژگی‌های مهم پیشگیری رشد مدار عبارت‌اند از:

الف) واجد جنبه تربیتی و فنی است: چنان که اختلالات رفتاری و روانی فرد از طریق تقویت قدرت شناخت و تمیز و نیز آموزش مهارت‌های زندگی به او و والدین وی برطرف می‌شود.

1. Sakir & Aydin, Remzi, yaser, soleyman

2. Pavolley



ب) فرد مدار^۱ است: این الگو از طریق اعمال و اقداماتی که بر فرد تأثیر می‌گذارد به دنبال پر کردن خلاءهایی است که در دوران طفولیت ایجاد شده‌اند.

ج) جاری در زمان است: چنانکه در مراحل مختلف رشد و در طول زمان انجام می‌گیرد.

د) جنبهٔ عمومیت دارد: سازوکارهای در نظر گرفته شده در این الگو، به منظور پیشگیری از انواع انحراف‌ها و جرم‌ها به کار گرفته می‌شود.

ه) کنش مدار^۲ بودن: یعنی پیش از وقوع انحراف و جرم با اقدامات غیر سرکوب‌گر، به دنبال پیشگیری از وقوع در آینده است (خسروشاهی و داوودی، ۱۳۹۳، ص ۱۳) و از مهم‌ترین اهدافی که می‌توان برای پیشگیری رشد مدار در نظر گرفت، تقویت سازوکارهای خودکنترلی از طریق اهرم‌هایی مانند خانواده و آموختن مهارت‌های اجتماعی به طفل و نوجوان به منظور اینکه شخص جامعه‌پذیر شده و توانایی زیستن در جامعه را کسب کند. در این نوع پیشگیری علاوه بر سوژه، ناظر به محیط اجتماعی شخصی خود فرد هم می‌شود. در پیشگیری رشد مدار با توسل به سازوکارهای مختلف به دنبال اجتماعی کردن فرد هستیم و از این نظر، نقش مهم و کلیدی خانواده نیز نمایان می‌شود؛ به گونه‌ای که برخی از نظریه‌ها نیز این موضوع را تقویت می‌کنند.

بر طبق نظریهٔ معاشرت افتراقی که جزء نظریه‌های یادگیری است، رفتار مجرمانه و منحرفانه آموخته می‌شود و یادگیری اساسی در درون گروه‌های اولیهٔ فرد از جمله خانواده رخ می‌دهد (ابادینسکی، ۱۳۸۳، ص ۲۷). ادوین ساترلند^۳ مبتکر این نظریه معتقد است: «رفتار مجرمانه و منحرفانه در اثر تماس و هم‌نشینی با الگوهای جنایی، آموخته می‌شود. هرچه تماس افراد با چنین محیط‌هایی زودتر آغاز شود (سن افراد)، تکرار تماس به‌دفعات بیشتر باشد (فراوانی معاشرت)، ارتباط نزدیک‌تر و عمیق‌تر باشد (عمق معاشرت) و مدت‌زمان معاشرت طولانی‌تر باشد، احتمال اینکه فرد در نهایت به یک بزه‌کار تبدیل شود بیشتر است» (چلبی و روزبهانی، ۱۳۸۰، صص ۹۵-۹۶). این نظریه بیان می‌کند: «فراگیری رفتارهای مجرمانه در گروه‌های خودی و در درون خرده‌فرهنگ‌هایی اتفاق می‌افتد که ارزش‌ها، هنجارهای ناهمگونی با نظام حاکم دارند» (سلیمی و داوری، ۱۳۹۰، ص ۴۸۹). براساس این نظریه، والدین به‌طور مؤثر، مسئول به وجود آمدن نوع رفتار فرزندانشان هستند (ابادینسکی، ۱۳۸۳، ص ۲۹). اگر پدر و مادر معتاد باشند، اعتیاد آن‌ها از یک‌سو کنترل و تسلط بر فرزندان را کاهش می‌دهد و از سوی دیگر، عامل انتقال این عادت به فرزندان می‌شود (مدنی، ۱۳۸۱، ص ۱۷۹).

نظریهٔ دیگر، فشار ساختاری است و نظری‌های دورکیم و مرتن از این دسته است. دورکیم جرم را به‌عنوان

1. Individual circuit
2. Action-oriented
3. Edwin Sutherland

یک پدیده اجتماعی، در بستر اجتماع، برای اجتماع و ناشی از اجتماع معرفی می‌کند. این نظریه معتقد است اهداف مشروعی که از طریق همنوایی با هنجارهای جامعه برآورد نشود، شخص را مجبور به انحراف می‌کند. این نظریه‌ها، همنوایی یعنی تبعیت از قانون جامعه را امری قطعی و ناهمنوایی را حاصل فشار اجتماع؛ ولی برآورده نشده می‌دانند. یکی از فاکتورهای مهم در این خصوص، تأثیر وضعیت اقتصادی بر روی افکار، اخلاق و رفتار افراد است که از دیرباز مورد توجه اندیشمندان بوده است (فرجاد، ۱۳۷۰، ص ۱۵۹). یکی از فاکتورهای بسیار مهم در رابطه با وضعیت اقتصادی و معیشتی خانواده‌ها میزان درآمد است. درآمد پایین و بیکاری می‌تواند به‌عنوان یک مسئله اجتماعی، زمینه مساعدی برای انحرافات اجتماعی به‌ویژه جرائم مربوط به مواد مخدر باشد. در نتیجه، گرایش و کشش به سمت جرائم مواد مخدر در اصل از بیکاری مردم ناشی می‌شود (فرجاد، ۱۳۷۰). عامل کم‌درآمدی باعث می‌شود که گرایش افراد به‌سوی جرائم مواد مخدر بیشتر شود. گروهی از جرم‌شناسان که عمدتاً به مکتب کمونیستی تمایل دارند، معتقدند زیربنای جامعه را اقتصاد تشکیل می‌دهد و سایر ابعاد اجتماعی از قبیل خانواده، سیاست، اخلاق، فرهنگ و جرم رو بناست و معلول عوامل اقتصادی شمرده می‌شود. بنابراین، به دنبال مباحث خود، پدیده بزهکاری را ناشی از فقر می‌دانند و معتقدند بیشتر بزهکاران، مردم فقیر و کم‌درآمد جامعه هستند. در منابع دینی نیز به این مسئله توجه شده و وضعیت اقتصادی و معیشت خانواده را یکی از عوامل اساسی در جهت تغییر و تحول انسان‌ها می‌دانند. اسلام، فقر و تنگدستی را عامل بی‌توجهی به مسائل معنوی و ارزش‌ها و هنجارها می‌داند و روایت مشهور «من لامعاش له لامعاده، اشاره به مطلب مذکور دارد یا آیات ششم و هفتم سوره علق «ان الانسان لیطغی ان رآه استغنی» به این موضوع اشاره دارند. بنابراین، انسان فقیر در اثر درآمد ناچیز و نامطلوب به رفع تهیدستی رسیده و چون می‌بیند که دیگران از همه تنعمات زندگی برخوردار بوده ولی از ابتدائی‌ترین وسیلهٔ امرار معاش محروم و در نتیجه حس کینه و نفرت در او شعله‌ور شده و جامعه را به آتش می‌کشد (شامبیاتی، ۱۳۸۵، ص ۲۳۹).

برخی دیگر از نظریه‌ها، به فرهنگ خاص بزهکاران توجه دارند و به این امر اشاره می‌کنند که بزهکاران از هنجارها و معیارهایی برخوردارند که جامعهٔ بزرگ‌تر و قوی‌تر الزاماً آن‌ها را نمی‌پذیرد و از آن تبعیت نمی‌کنند. مردم فرهنگ گروه‌های پیرامون خود را فرامی‌گیرند و دستهٔ خاصی از هنجارها و ارزش‌ها تنها به این دلیل که بیشتر در دسترس بوده را می‌پذیرند. دیدگاه‌های ساترلند، آلبرت کوهن، مک کی و شاو که در این مجموعه قرار می‌گیرند را تحت عنوان نظریه‌های انتقال فرهنگی نام می‌برند. ساترلند معتقد است کج‌رفتاری یادگرفتنی است؛ نه ارثی است و نه محصول بهره‌های پایین فرد (به دلیل بیشتر بودن تعریف‌های موافق تخلف به نسبت تعریف‌های موافق با همنوایی با هنجارها، کج‌رفتار می‌شود). از دیگر نظریه‌ها در این خصوص، نظریهٔ آلبرت کوهن (نظریهٔ خرده‌فرهنگ‌های مجرمانه) است. در واقع، او اصطلاح ناکامی منزلتی را مطرح می‌کند؛ یعنی طبقات پایین جامعه از نظر دستیابی به منزلت دچار ناکامی هستند. جامعه در عین حال که آن‌ها را به کسب



منزلت تشویق می‌کند، امکان دستیابی را در اختیار آن‌ها قرار نمی‌دهد و در نتیجه، طبقه محروم شیوه خود را برای دستیابی به منزلت پیدا می‌کنند.

نظریه مارکسیسم، بزهکاری را مقدم بر هر چیز یک پدیده اجتماعی می‌داند که ریشه‌های آن در نابرابری انسان‌ها یافت می‌شود و آن تمرکز ثروت‌ها در دست عده‌ای محدود در برابر فقر دیگران است. این نظریه‌پردازان مدعی‌اند که فرآیند انباشت سرمایه و افزایش منافع سرمایه‌داران، به بیکاری بخشی از اعضای طبقه محروم منتهی می‌شود که این امر به تعبیر مارکس به جمعیت مازاد حاشیه‌ای تبدیل می‌شود و عدم توانایی این جمعیت بیکار در تأمین یک زندگی محترمانه، آن‌ها را به کج‌رفتاری می‌کشاند (صدیق سروستانی، ۱۳۸۸، ص ۷۲). نظریه‌های کنترل اجتماعی نیز هم‌نوايي را حاصل وجود پیوندهای اجتماعی بین افراد جامعه و اعمال انواع کنترل از طرف نهادهای جامعه‌پذیر از جمله خانواده بر فرد دانسته و ناهم‌نوايي را ناشی از گسستن پیوندهای شخصی با نظم قراردادی جامعه می‌دانند. بنابراین، فقدان یا ضعف کنترل اجتماعی در این نظریه علت اصلی کج‌رفتاری است.

بر این اساس، نظریه‌های مطرح شده به‌عنوان چارچوب تحلیل این تحقیق در نظر گرفته شده و دلیل انتخاب این الگو، منطبق بودن سطح تبیین تئوری با سطح تحقیق و موضوع مورد بررسی است؛ بدین معنی که نظریه تلفیقی مذکور، جدایی و طلاق والدین (منطبق با نظریه کنترل اجتماعی)، مصرف مواد یا یکی از جرائم مواد مخدر توسط والدین یا یکی از اعضای خانواده تأثیر آن در گرایش فرزندان به سوی اینگونه جرائم (منطبق با نظریه معاشرت افتراقی ساترلند)، پایین بودن سطح پایگاه اقتصادی - اجتماعی خانواده (منطبق با نظریه مارکسیسم)، بیکاری، درآمد پایین و مشکلات مالی (منطبق با نظریه فشار ساختاری مرتن) که در مجموع با این توضیحات، تئوری‌های بیان شده چارچوب تحقیق را تشکیل می‌دهند و لازم به ذکر است که مهم‌ترین فرضیه‌های تحقیق نیز به شرح زیر از چهارچوب تحلیل تحقیق استنباط شده است:

- به نظر می‌رسد عوامل خانوادگی از جمله میزان تحصیلات والدین، نوع شغل، درآمد پایین، مشکلات مالی و سطح پایین پایگاه اقتصادی - اجتماعی خانواده در گرایش زندانیان به جرائم مواد مخدر نقش دارند.
- به نظر می‌رسد سابقه ارتکاب به جرائم مواد مخدر در بین اعضای خانواده مجرمان، یکی از عوامل تأثیرگذار در گرایش به جرائم مواد مخدر است.
- به نظر می‌رسد طلاق و جدایی والدین در گرایش زندانیان به جرائم مواد مخدر نقش دارد.

روش

در تحقیق حاضر، از روش توصیفی - پیمایشی و از ابزار پرسشنامه استفاده شد. اطلاعات مربوط به پیشگیری رشد مدار با بهره‌گیری از منابع کتابخانه‌ای (اسنادی) به دست آمده است و لازم به ذکر است که کلیه زندانیانی

که در تابستان ۱۳۹۰ (زمان جمع‌آوری داده‌ها) به علت یکی از جرائم مربوط به مواد مخدر در زندان شهرستان یزد زندانی بوده‌اند، جامعه آماری ما را تشکیل داده‌اند که شامل ۱۳۴۱ نفر می‌شدند. از این تعداد، ۷۵ نفر زن و ۱۱۶۶ نفر مرد بودند (زندانیان مواد مخدر شهرستان یزد براساس اطلاعات و آمار رئیس زندان به ترتیب؛ در بند یک ۸۹ نفر، در بند دو ۱۱۰ نفر، در بند سه ۱۰۷ نفر، در بند چهار ۱۹۵ نفر، در بند پنج ۸۸ نفر، در بند شش ۳۱۲ نفر، در بند هشت ۸۶ نفر، در بند بیست ۲۳ نفر، در بند حرفه‌آموزی ۱۵۶ نفر و در بند نسوان ۷۵ نفر بوده‌اند که در مجموع، ۱۳۴۱ نفر می‌شدند). برای محاسبه حجم نمونه به شیوه طبقه‌ای متناسب و از فرمول کوکران استفاده شد. بعد از تعیین حجم نمونه، آن را برحسب جنسیت تفکیک کرده و بعد از مشخص شدن سهم هر یک از مردان و زنان، پرسشنامه تهیه شد و به صورت تصادفی در بند نسوان و بندهای آقایان تکمیل شد. برای تعیین روایی پرسشنامه به شیوه روایی محتوای از نظر متخصصان و اساتید محترم استفاده و تأیید شد و پایایی پرسشنامه به شیوه همبستگی درونی (آلفای کرونباخ) مورد محاسبه قرار گرفت که $a=0/۸۶$ به دست آمد که با توجه به اینکه بالاتر از $0/۷$ است، تعداد مورد قبول واقع شد. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها نیز از آماره‌های توصیفی (آزمون کای اسکور) استفاده شد.

یافته‌ها

تعداد مجرمان مواد مخدر زندان شهرستان یزد که مورد مطالعه قرار گرفته‌اند، مطابق فرمول، ۲۹۸ نفر هستند که ۲۷۸ نفر مرد و ۲۰ نفر زن بوده؛ یعنی از کل پاسخگویان، ۹۳/۳ درصد از مجرمان مرد و ۶/۷ درصد از مجرمان زن هستند.

جدول ۱. توزیع پاسخگویان برحسب نوع جرم ارتكابی و نوع ماده مخدر

نوع جرم	درصد فراوانی	نوع ماده مخدر	درصد فراوانی
نگهداری و اختفاء	۱۰/۱۲	حشیش	۴/۹۵
حمل مواد	۴۰/۵	تریاک	۳۷
فروش	۱۰/۳۳	هروئین	۳۱/۳
قاچاق	۶	شیشه	۷/۵
استعمال	۶/۸۹	کراک	۱۲/۷
اعتیاد	۱۸	سایر مواد	۶/۸۲
سایر جرائم مواد مخدر	۸/۱۶	-	-

مطابق جدول ۱، در خصوص نوع جرم ارتكابی زندانیان مواد مخدر شهرستان یزد به ترتیب: ۱۰/۱۲ درصد از پاسخگویان مرتکب جرم نگهداری و اختفاء، ۴۰/۵ درصد مرتکب حمل مواد، ۱۰/۳۳ درصد مرتکب فروش، ۶ درصد مرتکب قاچاق، ۶/۸۹ درصد مرتکب استعمال مواد، ۱۸ درصد معتاد و ۸/۱۶ درصد سایر جرائم مواد



مخدر از قبیل توزیع، تولید، در معرض فروش و غیره را مرتکب شده‌اند و نوع ماده مخدری که پاسخگویان به علت آن زندانی شده‌اند، اعم از مواد مخدر سنتی و صنعتی به ترتیب: ششیش ۴/۹۵ درصد، تریاک ۳۷ درصد، هروئین ۳۱/۳ درصد، شیشه ۷/۵ درصد، کراک ۱۲/۷ درصد و سایر مواد از قبیل کوکائین، گراس و غیره ۶/۸۲ درصد بوده است.

از نظر وضعیت خانوادگی زندانیان، نتایج تحقیق نشان داد ۵۱ درصد از پدر پاسخگویان بی‌سواد، ۲۷/۵ درصد دارای تحصیلات ابتدایی، ۱۲/۵ درصد تحصیلات راهنمایی، ۶/۷ درصد تحصیلات دبیرستان و ۲/۳ درصد تحصیلات دانشگاهی داشته‌اند و در کل، ۹۱ درصد از پدر مجرمان دارای تحصیلات راهنمایی و پایین‌تر بوده‌اند و تنها ۹ درصد از آن‌ها تحصیلات دبیرستان و دانشگاهی داشته‌اند و در خصوص تحصیلات مادران، به ترتیب ۶۴/۴ درصد از مادر پاسخگویان بی‌سواد، ۲۴/۵ درصد سطح تحصیلات ابتدایی، ۷/۴ درصد سطح تحصیلات راهنمایی، ۲/۷ درصد سطح تحصیلات دبیرستان و ۱ درصد سطح تحصیلات دانشگاهی داشته‌اند و همان‌گونه که ملاحظه می‌شود میزان تحصیلات ۹۶/۳ درصد از مادر مجرمان، با سطح تحصیلات راهنمایی و پایین‌تر بوده و تنها ۳/۷ درصد از آن‌ها دارای سطح تحصیلات دبیرستان و دانشگاهی بوده‌اند. با توجه به این توضیحات و در مقایسه با میزان بی‌سوادی در استان که ۱۲/۲ درصد بوده (سالنامه آماری استان، ۱۳۹۲)، میزان بی‌سوادی در بین والدین مجرمان نسبت به جمعیت استان در سال ۱۳۹۰، ۵ برابر است.

نتایج نشان می‌دهد ۱۱/۴ درصد از پاسخگویان اعلام داشته‌اند که والدین آن‌ها از یکدیگر طلاق گرفته‌اند و ۸۸/۶ درصد از پاسخگویان نیز اعلام کرده‌اند پدر و مادر آن‌ها باهم بوده و طلاق نداشته‌اند و از این تعداد، ۵/۸ درصد از پاسخگویان تأثیر طلاق را اصلاً، ۱۴/۷ درصد کم، ۱۷/۷ درصد متوسط، ۶۱/۸ درصد زیاد بیان داشته‌اند. بنابراین، ۷۹/۵ درصد از مجرمان تأثیر طلاق والدین را در ارتکاب جرم خود متوسط به بالا اعلام داشته‌اند.

شغل پدر مجرمان نیز به ترتیب: ۳ درصد بیکار، ۴۰/۶ درصد دارای شغل آزاد، ۱۶/۸ درصد کارگر، ۷/۴ کارمند، ۲۱/۸ درصد کشاورز بوده‌اند و ۳ درصد نیز به این سؤال پاسخ نداده‌اند. بنابراین، بیشترین آمار شغل پدر مجرمان زندانی مربوط به شغل آزاد با ۴۰/۶ درصد بوده است و این میزان در مقایسه با جمعیت فعال از نظر اقتصادی در استان که ۳۵/۶ از جمعیت را تشکیل می‌دهند، نرخ بیکاری (نهم درصد) بوده (سالنامه آماری، ۱۳۹۲)، در صورتی که نرخ بیکاری والدین مجرم ۳ درصد و تقریباً ۳ برابر است. بیشترین آمار مربوط به شغل مادران، خانه‌داری با ۸۷/۶ درصد است و این میزان در مقایسه با جمعیت غیرفعال از نظر اقتصادی در استان که ۶۴/۶ از جمعیت را تشکیل می‌دهند ۲۸ درصد خانه‌دار هستند (سالنامه آماری، ۱۳۹۲)؛ یعنی نسبت خانه‌داری مادران مجرمان تقریباً سه برابر است.

در خصوص میزان درآمد خانواده، ۳۴/۶ درصد از پاسخگویان کمتر از ۲۰۰ هزار تومان، ۳۶/۲ درصد بین ۲۰۰ تا ۴۰۰ هزار تومان، ۲۰/۱ درصد ۴۰۰ تا ۶۰۰ هزار تومان و ۹/۱ درصد از آن‌ها بیشتر از ۶۰۰ هزار

تومان است و میزان درآمد ماهیانه ۷۰/۸ درصد از مجرمان چهارصد هزار تومان یا کمتر است. در صورتی که متوسط درآمد خالص سالانه یک خانواده شهری و روستایی در استان به ترتیب ۱۱۶۳۷۶۲۳۸ ریال (ماهانه مبلغ ۹۶۹۸۰۰۰ ریال) و ۸۸۱۸۲۳۴۰ ریال (ماهانه ۷۳۴۸۰۰۰ ریال) است و هزینه سالانه شهری به ترتیب ۹۵۳۳۷۳۳۴ ریال (ماهانه ۷۹۴۴۰۰۰ ریال) و ۷۸۰۴۶۸۶۷ ریال (ماهانه ۶۵۰۳۹۰۰ ریال) است (سالنامه آماری، ۱۳۹۲). در صورتی که در مقایسه میزان درآمد، تنها ۹/۱ درصد مجرمان، درآمد بالای ۶۰۰۰۰۰۰ ریال یا بهتر بگوییم نزدیک به متوسط جامعه داشته‌اند و ۹۰/۹ درصد از مجرمان درآمد پایین و بافاصله از متوسط درآمد جمعیت استان را داشته‌اند.

جدول ۲. توزیع پاسخگویان بر حسب سابقه جرائم مواد مخدر در بین اعضای خانواده، نسبت اعضا و میزان تأثیر آن در گرایش زندانیان به جرائم مواد مخدر

درصد فراوانی		متغیر	
۳۸/۶	۱۱۵	وجود سابقه	سابقه جرائم مواد مخدر در بین اعضای خانواده
۶۱/۴	۱۸۳	عدم سابقه	
۴۵/۲	۵۲	پدر	نسبت اعضای سابقه‌دار خانواده با مجرمان
۳/۵	۴	مادر	
۴۲/۶	۴۹	برادر	
۲/۶	۳	خواهر	
۶/۱	۷	همسر	
۱۹/۱	۲۲	اصلاً	میزان تأثیر ارتکاب جرائم مواد مخدر توسط اعضای خانواده در گرایش مجرمین به سوی مواد مخدر
۱۵/۷	۱۸	کم	
۳۷/۴	۴۳	متوسط	
۲۷/۸	۳۲	زیاد	
۶۱/۸	۲۱	زیاد	

مطابق جدول ۲، نتایج به دست آمده در خصوص بررسی سابقه ارتکاب به جرائم مواد مخدر در بین اعضای خانواده، نسبت اعضای خانواده و تأثیر آن در گرایش افراد به جرائم مواد مخدر، ۳۸/۶ درصد از پاسخگویان بیان داشته‌اند که یکی از اعضای خانواده آن‌ها مرتکب مصرف مواد یا یکی از جرائم مواد مخدر شده‌اند و ۶۱/۴ درصد از پاسخگویان به این سؤال پاسخ منفی داده‌اند. از بین ۱۱۵ نفر از مجرمان (۳۸/۶ درصد از مجرمان) که عنوان کرده‌اند یکی از اعضای خانواده آن‌ها سابقه یکی از جرائم مواد مخدر را داشته‌اند، در این قسمت به بررسی نسبت اعضای خانواده با آن‌ها پرداخته شد که به ترتیب، ۴۵/۲ درصد پدر، ۳/۵ درصد مادر، ۲/۶ درصد خواهر، ۴۲/۶ درصد برادر و ۶/۱ درصد همسر را عنوان کرده‌اند که بیشترین آمار مربوط به پدر با ۴۵/۲ درصد بوده است و لازم به ذکر است از بین ۱۱۵ نفر از پاسخگویان که یکی از اعضای خانواده‌شان مرتکب جرم مواد مخدر بوده‌اند

در خصوص تأثیر آن، به ترتیب ۱۹/۱ درصد تأثیر آن را اصلاً، ۱۵/۷ درصد کم، ۳۷/۴ درصد متوسط و ۲۷/۸ درصد نیز تأثیر آن را زیاد بیان داشته‌اند و در مجموع، ۶۵/۲ درصد تأثیر آن را متوسط به بالا اظهار داشته‌اند.

جدول ۳. توزیع پاسخگویان برحسب پایگاه اقتصادی- اجتماعی خانواده

درصد فراوانی		متغیر	
۳۶/۲	۱۰۸	پایین	سطح پایگاه اقتصادی- اجتماعی خانواده
۵۳	۱۵۸	متوسط	
۳/۴	۱۰	بالا	
۷/۴	۲۲	بدون پاسخ	

مطابق جدول ۳، سطح پایگاه اقتصادی- اجتماعی ۳۶/۲ درصد از مجرمان پایین، ۵۳ درصد متوسط و ۳/۴ درصد بالا بوده است و همان گونه که ملاحظه می‌کنیم سطح پایگاه اقتصادی- اجتماعی ۸۹/۲ درصد از مجرمان متوسط به پایین بوده است و تنها ۳/۴ درصد از مجرمان دارای سطح بالا بوده‌اند.

جدول ۴. توزیع پاسخگویان برحسب مهم‌ترین عامل گرایش و مهم‌ترین عامل پیشگیری‌کننده در گرایش زندانیان به جرائم مواد مخدر

درصد فراوانی		متغیر	
۵۴	۱۶۱	مشکلات مالی	مهم‌ترین عامل در گرایش مجرمین به جرائم مواد مخدر
۲۳/۲	۶۹	بیکاری	
۱۲/۱	۳۶	سهل‌انگاری و غفلت	
۷/۴	۲۲	تفریح و سرگرمی	
۳/۴	۱۰	عدم قدرت نه گفتن	
۵۳	۱۵۸	خانواده	مهم‌ترین عامل پیشگیری‌کننده در گرایش به جرائم مواد مخدر
۱۲/۵	۳۷	دوستان و همسالان	
۱۰/۷	۳۲	مدرسه	
۲۳/۸	۷۱	وسایل ارتباط جمعی	

مطابق جدول ۴، در خصوص مهم‌ترین عامل که باعث ارتکاب جرم توسط پاسخگویان، به ترتیب ۵۴ درصد مشکلات مالی، ۲۳/۲ درصد بیکاری، ۱۲/۱ درصد سهل‌انگاری و غفلت، ۷/۴ درصد تفریح و سرگرمی و ۳/۴ درصد عدم قدرت نه گفتن را بیان داشته‌اند. بنابراین، بیشترین عاملی که باعث ارتکاب جرم توسط مجرمان مواد مخدر شهرستان یزد شده، مشکلات مالی و بیکاری با ۷۷/۲ درصد بوده است. در واقع، مهم‌ترین عامل فقر و مشکلات مالی است که باعث ارتکاب جرم توسط مجرمان شده است.

طبق نظر خواهی به عمل آمده از پاسخگویان در خصوص مهم‌ترین عاملی که از ارتکاب جرائم مواد مخدر پیشگیری می‌کند به ترتیب ۵۳ درصد خانواده، ۱۲/۵ درصد دوستان و همسالان، و ۱۰/۷ درصد مدرسه و ۲۳/۸ درصد وسایل ارتباط جمعی (رادیو، تلویزیون و روزنامه و مجلات و غیره) را بیان داشته‌اند. بنابراین، بیشترین آمار به دست آمده در خصوص مهم‌ترین عامل پیشگیری کننده در گرایش مجرمان به سوی جرائم مواد مخدر از دیدگاه خود مجرمان، خانواده است.

تحلیل داده‌ها: در این قسمت به بررسی تفاوت بین فراوانی متغیرها (میزان تحصیلات، درآمد، نوع شغل، سطح پایگاه اقتصادی- اجتماعی خانواده، مشکلات مالی خانواده، طلاق و سابقه ارتکاب جرائم مواد مخدر در بین اعضای خانواده) با توجه به جرائم مواد مخدر اشاره می‌شود. به منظور سنجش بررسی تفاوت فراوانی‌ها از آزمون کای اسکوئر که از دقت بیشتری در این زمینه برخوردار است، استفاده شد.

جدول ۵. محاسبات نقش هر یک از عوامل خطر ساز در خانواده در گرایش زندانیان به جرائم مواد مخدر

متغیر	نام تکنیک	درجه آزادی	مقدار	سطح معناداری (Sig)
میزان تحصیلات والدین	کای اسکوئر	۴	۸۷/۰۷	۰/۰۰۰۱
شغل	کای اسکوئر	۶	۷۳۵/۳۸	۰/۰۰۰۱
درآمد خانواده	کای اسکوئر	۳	۵۹/۰۷	۰/۰۰۰۱
سطح پایگاه اقتصادی- اجتماعی خانواده	کای اسکوئر	۲	۲۱۰/۸۲	۰/۰۰۰۱
مشکلات مالی خانواده	کای اسکوئر	۴	۴۲۷/۸۷	۰/۰۰۰۱
سابقه ارتکاب جرم در بین اعضای خانواده	کای اسکوئر	۱	۱۵/۵۱	۰/۰۰۰۱
طلاق در خانواده	کای اسکوئر	۱	۱۷۷/۵۱	۰/۰۰۰۱

جدول ۵، نشان می‌دهد بین متغیر سطح تحصیلات ($p = 0/0001 < 0/05$) مقدار کای اسکوئر) و با توجه بالا بودن درصد فراوانی سطح پایین تحصیلات پاسخگویان، رابطه این متغیر با گرایش زندانیان به جرائم مواد مخدر به صورت معنادار و ضریب اطمینان ۹۵ درصد مورد تأیید قرار گرفت. این رابطه در خصوص نوع شغل والدین ($p = 0/0001 < 0/05$) مقدار کای اسکوئر) و فراوانی مشاهده شده در بین پاسخگویان نشان می‌دهد شغل آزاد والدین نیز رابطه معناداری با گرایش زندانیان به جرائم مواد مخدر داشته و این موضوع در بین مشاغل آزاد از سایرین بیشتر بوده است.

میزان درآمد خانواده متغیر بعدی است که محاسبات ($p = 0/0001 < 0/05$) مقدار کای اسکوئر) با توجه به فراوانی‌های مشاهده شده نشان از رابطه معنادار پایین بودن درآمد خانواده و گرایش بیشتر به جرائم مواد مخدر دارد. بنابراین، با توجه به مشاهده فراوانی پاسخگویان با سطح ضریب اطمینان ۹۵ درصد، فرضیه

مذکور تأیید و قابل تعمیم به کل جامعه آماری بوده و نشانگر این موضوع است که هرچه درآمد خانواده پایین‌تر باشد، میزان گرایش افراد به جرائم مواد مخدر نیز بیشتر خواهد بود. محاسبات در خصوص متغیر سطح پایگاه اقتصادی - اجتماعی خانواده و رابطه آن با گرایش افراد به جرائم مواد مخدر ($p = 0/0001 < 0/05$)، $210/82$ = مقدار کای اسکوتر) نشان می‌دهد با توجه به فراوانی مشاهده شده و گرایش به جرائم مواد مخدر در بین زندانیانی که در سطح متوسط به پایین قرار گرفته‌اند مبین این موضوع است که هر چه سطح پایگاه اقتصادی - اجتماعی خانواده پایین‌تر باشد، گرایش به جرائم مواد مخدر نیز بیشتر خواهد بود. در خصوص متغیر دیگر؛ یعنی مشکلات مالی خانواده نیز در محاسبات نشان داد ($p = 0/0001 < 0/05$)، $427/87$ = مقدار کای اسکوتر) رابطه معناداری بین بیکاری و مشکلات مالی و گرایش بیشتر در خانواده‌هایی که دارای این مشکل هستند و گرایش به جرائم مواد مخدر وجود دارد. بنابراین با توجه به مشاهده فراوانی پاسخگویان با سطح ضریب اطمینان ۹۵ درصد، فرضیه مربوط به این موضوع نیز تأیید و قابل تعمیم به کل جامعه آماری بوده و نشانگر این موضوع است که هرچه مشکلات مالی بیشتر باشد میزان گرایش افراد به جرائم مواد مخدر نیز بیشتر خواهد بود.

سابقه ارتکاب جرائم مواد مخدر در بین اعضای خانواده ($p = 0/0001 < 0/05$)، $15/51$ = مقدار کای اسکوتر) و با توجه به بالا بودن درصد فراوانی در بین پاسخگویانی که این عامل در خانواده‌های آن‌ها وجود داشته است، رابطه این متغیر با گرایش زندانیان به جرائم مواد مخدر به صورت معنادار و ضریب اطمینان ۹۵ درصد مورد تأیید قرار گرفت و محاسبات در خصوص طلاق والدین ($p = 0/0001 < 0/05$)، $177/51$ = مقدار کای اسکوتر) نیز نمایانگر تأثیر این عامل در گرایش افراد به جرائم مواد مخدر و رابطه معناداری این متغیر با گرایش زندانیان به جرائم مواد مخدر است و با توجه به معناداری رابطه و در سطح ضریب اطمینان ۹۵ درصد قابل تعمیم به کل جامعه آماری خواهد بود.

عوامل حمایتی خانواده محور

با توجه به عوامل خطر ساز که قبلاً بیان شد، اقدامات حمایتی باید مبتنی بر اساس خانواده و در جهت رفع عوامل خطر باشد و این برنامه‌ها به گونه‌ای باشد که بعد از ارزیابی، کاهش عوامل خطر را به علت به کارگیری عوامل حمایتی تصدیق کند (خسروشاهی و داوودی، ۱۳۹۳، ص ۲۲). بنابراین، عوامل حمایتی اقداماتی هستند که زمینه مقاومت فرد را در مقابل پذیرش و پیشه قرار دادن رفتارهای منحرفانه و مجرمانه در آینده تقویت و به وی کمک می‌کند که با اختلال‌ها و دگرگونی‌های مختلف که در محیط‌های گوناگون اجتماع ممکن است با آن روبرو شود، خود را به صورت سازنده منطبق سازد. با توجه به نتایج حاصل از تحقیق، به اقداماتی که می‌تواند جنبه حمایتی و پیشگیرانه داشته و در جهت رفع عوامل خطر کار ساز باشد، اشاره می‌شود.

- برنامه مبتنی بر آموزش والدین: همان‌طور که بیان شد، پدر و مادر نقش بسیار مهمی در زندگی

کودک دارند؛ «چرا که تا یک سن خاص، ایشان متولی تربیت اطفال هستند و بدیهی است که تربیت صحیح، خود نوعی مصون سازی است. والدین و فرزند، کنش متقابلی بر یکدیگر دارند» (نجفی ابرنآبادی، ۱۳۸۱). با توجه به اینکه نتایج تحقیق نیز نشان داد والدین و فرزندان در کنش متقابل با یکدیگر هستند، لذا ارتکاب به جرم از سوی والدین بر روی دیگر اعضای خانواده اثر مستقیم داشته و به نظر می رسد نتایج رفتارهای آتی کودک به این کنش ها بستگی دارد. برنامه آموزش والدین به عنوان یکی از الگوهای پیشگیری خانواده محور، بر ارتباط والدین با یک درمانگر یا آموزش دهنده تأکید و در پی آموزش والدین برای چگونه رفتار کردن و تربیت فرزندان، چگونگی به کارگیری شیوه های تأدیب، تربیت، نظارت و کنترل است. به کارگیری این برنامه مطابق با اصول و معیارهای علمی، موجب گرم تر شدن کانون خانواده، پیشگیری از مشکلات عاطفی و تحصیلی، شناسایی استعداد های فرزندان و بارور کردن آن ها، ایجاد و افزایش اعتماد به نفس در فرزندان و غیره می شود که این امور، زمینه را برای گرایش افراد به جرائم مواد مخدر از بین می برد. همانگونه که قبلاً نیز بیان شد در سیاست های غیر کیفری در قوانین فرادستی و فرودستی در قبال جرائم مواد مخدر در خصوص آموزش والدین و خانواده ها تأکید شده است.

خانواده درمانی: خانواده درمانی یکی از الگوهای مداخله مبتنی بر خانواده است که شامل برنامه هایی است که زمینه درمان طیف وسیعی از اعمال غیرهنجار را برای نوجوانان و خانواده های در معرض خطر آن ها فراهم می کند (خسروشاهی و منصور، ۱۳۸۹، ص ۱۶). این روش درمانی، بیشتر روی کودکان مؤثر است؛ زیرا واقعیت روزمره کودک به طور مستقیم تحت تأثیر یافت خانواده قرار دارد. خانواده درمانی یک روش نظام مند مداخله درمانی است که هدف آن، رفع اختلالات پیچیده و متقابل عاطفی و التیام زخم ها و ضعف های خانواده است. خانواده درمانی دارای مسئولیت هایی از جمله بالا بردن احساس همبستگی و وحدت خانواده، فعال کردن نقش طبیعی خود در شفاف بخشی خانواده، تغییر اصول غیر انطباقی که بر خانواده مسلط است، بالا بردن آگاهی اعضای خانواده در زمینه راه های مختلف حل مشکلات، رفع تعارض و اضطراب بین افراد، تقویت ظرفیت افراد خانواده جهت مقابله با نیروهای مخرب درون و برون محیطی و مسئولیت هایی از این قبیل که با تقویت آن می توان به عنوان یکی از عوامل مهم حمایتی مطرح شود.

حمایت اقتصادی و توانمندسازی: نمونه ای از توانمندسازی خانواده، حمایت از بعد اقتصادی است. کودکانی که در خانواده های تحت فشار شدید فقر قرار دارند کمتر تحت مراقبت، تشویق و رفتارهای عاطفی قرار می گیرند و احتمال بروز رفتارهای انحرافی بیشتر است و این امر، تعلق کودک به خانواده را از بین برده و فرآیند رشد شناختی، عاطفی و اجتماعی کودک را مختل می کند (مهدوی، ۱۳۹۰، ص ۴۰۲). همان طور که نتایج تحقیق نیز نشان داد یکی از عوامل مهم و مؤثر در گرایش افراد به جرائم مواد مخدر، مشکلات مالی، فقر، درآمد پایین، بیکاری و سطح پایین پایگاه اقتصادی- اجتماعی و به طور کلی، اقتصاد خانواده و وضع نابسامان معیشت آن ها بود. لذا تقویت وضعیت اقتصادی و معیشت خانواده و رفع بیکاری و توجه به اقتصاد خانواده که سیاست خاص



دولت را در زمینه رفع بیکاری و بهبود وضعیت زندگی افراد جامعه و به خصوص افراد در معرض خطر و همکاری دستگاه‌های ذی‌ربط می‌تواند به‌عنوان یکی از عوامل حمایتی مهم مورد اشاره قرار گیرد. مشکلات فوق، نقطه عطف‌هایی هستند که زمینه را برای عدم توانایی خانواده در اعمال وظایف خود در قبال کودکان و نوجوانان و در نتیجه، زمینه‌سازی برای انحراف‌هایی چون جرائم مواد مخدر را در این قشر فراهم می‌کنند. بنابراین، «حمایت و پشتیبانی از والدین برای ایفای نقش مطلوب و شایسته در خانواده می‌تواند کمک شایانی در پیشگیری از انحراف‌هایی چون اعتیاد کودکان و نوجوانان داشته باشد. این حمایت‌ها بیشتر از طریق مؤسسه‌های دولتی و عمومی مانند بهزیستی، وزارت آموزش و پرورش، کمیته امداد امام خمینی، وزارت کار و امور اجتماعی و سازمان تأمین اجتماعی به اجرا درمی‌آیند. در این زمینه، دفتر امور زنان و خانواده در سازمان بهزیستی به زنان سرپرست خانواده و افراد تحت تکفل آن‌ها که دچار مشکل و معضلاتی در یک یا چند زندگی (عاطفی، فرهنگی، اقتصادی و غیره) و نیازمند حمایت از طریق مددکاری هستند یاری می‌رساند» (خسروشاهی و داوودی، ۱۳۹۳، ص ۲۷).

بحث و نتیجه‌گیری

فرضیه اول تحقیق مبنی بر اینکه به نظر می‌رسد عوامل خانوادگی از جمله میزان تحصیلات والدین، نوع شغل، درآمد پایین، مشکلات مالی و سطح پایین پایگاه اقتصادی- اجتماعی خانواده در گرایش زندانیان به جرائم مواد مخدر نقش داشته‌اند، تأیید می‌شود. با توجه به اینکه ۹۱ درصد از پدر مجرمان دارای تحصیلات راهنمایی و پایین‌تر بوده‌اند و همچنین، میزان تحصیلات ۹۶/۳ درصد از مادر مجرمان راهنمایی و پایین‌تر بوده و محاسبات انجام شده نیز این رابطه را تأیید می‌کند و رابطه معناداری بین پایین بودن سطح سواد والدین و گرایش زندانیان به جرائم مواد مخدر وجود داشت و همچنین نوع شغل با توجه به پاسخ زندانیان و مشاهده فراوانی (شغل آزاد با ۴۰/۶ درصد در پدران و خانه‌داری در مادران با ۸۷/۶ درصد نسبت به سایر مشاغل)، می‌توان گفت عامل نوع شغل در گرایش زندانیان به جرائم مواد مخدر نقش داشته است و محاسبات انجام شده با مقدار به‌دست آمده از آزمون و سطح معناداری محاسبه‌شده، رابطه متغیر مذکور با گرایش افراد به جرائم مواد مخدر را تأیید می‌کند. در خصوص درآمد پایین خانواده در گرایش زندانیان به جرائم مواد مخدر، با توجه به یافته‌های تحقیق و آمار اعلام شده، از نظر درآمد خانوادگی، میزان درآمد تنها ۹/۱ درصد مجرمان درآمد بالای ۶۰۰۰۰۰۰ ریال یا بهتر بگوییم نزدیک به متوسط را داشته‌اند و ۹۰/۹ درصد از مجرمان درآمد پایین و با فاصله از متوسط درآمد جمعیت استان را داشته‌اند و میزان بیکاری والدین مجرم در مقایسه با جمعیت فعال از نظر اقتصادی در استان که ۳۵/۶ از جمعیت را تشکیل می‌دهند یعنی ۳ درصد و تقریباً ۳ برابر است. در خصوص خانه‌داری مادر مجرمان نیز در مقایسه با جمعیت غیرفعال از نظر اقتصادی در استان تقریباً سه برابر است و محاسبات انجام شده با مقدار به‌دست آمده از آزمون و سطح معناداری محاسبه‌شده، رابطه متغیر مذکور با گرایش افراد به جرائم مواد

مخدر را تأیید می‌کند. لازم به ذکر است، طبق نظرخواهی صورت گرفته از زندانیان، بیشترین عاملی که باعث ارتکاب جرم توسط مجرمان مواد مخدر شهرستان یزد شده، مشکلات مالی و بیکاری با ۷۷/۲ درصد بوده است و نتیجه محاسبات نیز رابطه معنادار بین مشکلات مالی خانواده و گرایش زندانیان به جرائم مواد مخدر را تأیید می‌کند. متغیر پایین بودن سطح پایگاه اقتصادی- اجتماعی خانواده در گرایش زندانیان به جرائم مواد مخدر نیز تأیید می‌شود؛ چرا که ۸۹/۲ درصد از کل مجرمان در خانواده‌هایی با پایگاه اقتصادی- اجتماعی متوسط به پایین قرار داشتند و نتایج محاسبات نیز رابطه این متغیرها با گرایش افراد به جرائم مواد مخدر و در سطح ضریب اطمینان ۹۵ درصد تأیید و قابل تعمیم به کل جامعه آماری است. در کل، نتایج این فرضیه با نظریه‌های مرتن (فشار)، آلبرت کوهن (ناکامی منزلتی) و نظریه مارکسیسم و همچنین با تحقیق ساکر و همکاران (۲۰۰۵)، پاولی و همکاران (۲۰۱۰)، حاجلی و همکاران (۱۳۸۹) و شهره (۱۳۸۵) همسو بود.

فرضیه دوم تحقیق مبنی بر اینکه سابقه ارتکاب به جرائم مواد مخدر در بین اعضای خانواده مجرمان یکی از عوامل تأثیرگذار در گرایش به جرائم مواد مخدر است تأیید می‌شود. مطابق نتایج به دست آمده، در مجموع ۳۸/۶ درصد بیان داشته‌اند که یکی از اعضای خانواده آن‌ها مرتکب مصرف مواد یا یکی از جرائم مواد مخدر شده‌اند و از این تعداد نسبت اعضای خانواده با آن‌ها پرداخته شد که به ترتیب ۴۵/۲ درصد پدر، ۳/۵ درصد مادر، ۲/۶ درصد خواهر، ۴۲/۶ درصد برادر و ۶/۱ درصد همسر را عنوان کرده‌اند که بیشترین آمار مربوط به پدر با ۴۵/۲ درصد بوده است و نکته قابل ذکر اینکه طبق نظرخواهی صورت گرفته در خصوص میزان تأثیر سابقه ارتکاب به جرم در خانواده در گرایش مجرمان به جرائم مواد مخدر، ۶۵/۲ درصد نیز تأثیر آن را متوسط به بالا اظهار داشته‌اند. نتایج محاسبات نیز در تأیید این موضوع است. در کل، نتایج این فرضیه با هماهنگی با نتایج تحقیق باقری و همکاران (۱۳۸۹)، شهره (۱۳۸۵) و نقش والدین در گرایش فرزندان به اعتیاد و مطابقت آن با نظریه معاشرت افتراقی ساترلند است.

فرضیه سوم تحقیق مبنی بر اینکه طلاق و جدایی والدین در گرایش زندانیان به جرائم مواد مخدر نقش دارد، تأیید می‌شود. طبق نتیجه حاصله، ۱۱/۴ درصد از مجرمان اعلام داشته‌اند که والدین آن‌ها از یکدیگر طلاق گرفته‌اند و در خصوص تأثیر طلاق در ارتکاب جرمشان، ۷۹/۵ درصد از مجرمانی که فرزند طلاق بوده‌اند تأثیر این عامل را در ارتکاب جرم خود متوسط به بالا اعلام داشته‌اند و این نتایج هماهنگ با نظریه کنترل اجتماعی و تحقیقاتی است که هاگان و فوستر (۲۰۰۳)، هافمن (۲۰۰۵) ش، اندرسون (۲۰۰۲) انجام داده‌اند.

بنابراین، با توجه به تمام توضیحات و فرضیه‌های مطرح شده و نتایج به دست آمده از این تحقیق می‌توان گفت، عوامل خطر ساز مرتبط با خانواده از جمله سابقه ارتکاب جرائم مواد مخدر در بین اعضای خانواده، پایین بودن پایگاه اقتصادی- اجتماعی، بیکاری، درآمد پایین و مشکلات مالی، جدایی والدین (طلاق)، پایین بودن



سطح تحصیلات هر یک نقش مهم و مؤثری در گرایش افراد به سوی جرائم مواد مخدر داشته است، لذا اقدامات پیشگیرانه و عوامل حمایتی خانواده محور باید مبتنی بر خانواده و در جهت رفع این عوامل خطر باشد و این برنامه‌ها به گونه‌ای باشد که بعد از ارزیابی، کاهش عوامل خطر را به علت به‌کارگیری عوامل حمایتی تصدیق کند. از مهم‌ترین عوامل حمایتی که به بیان آن پرداخته شد، برنامه‌ی مبتنی بر آموزش والدین، خانواده‌درمانی، حمایت اقتصادی و توانمندسازی خانواده‌ها است.

پیشنهادها

- انجام مطالعات بیشتر و عمیق‌تر (کیفی) در سایر زمینه‌ها از جمله عوامل فردی و اجتماعی و همچنین بررسی تغییرات اجتماعی - فرهنگی مرتبط با روند افزایش رفتارهای پرخطر و گرایش افراد به جرائم مواد مخدر؛
- تلاش دولت در جهت رفع مشکلات اقتصادی و بهبود وضع معیشتی اعضای جامعه به‌ویژه اقشار محروم و آسیب‌پذیر جامعه و همچنین اقدام در جهت حل مشکل بیکاری و اشتغال افراد جامعه؛
- تلاش در جهت اجرا و توسعه برنامه‌های آموزشی و فرهنگی، به‌منظور ارتقای سطح سواد جامعه؛
- اهتمام جدی دولت به‌منظور حمایت و تحت پوشش قرار دادن خانواده‌های آسیب‌پذیر و تدوین قوانین لازم در جهت حفظ نظام خانواده و جلوگیری از نابسامانی و ازهم‌گسیختگی آن؛
- تلاش مسئولان و دست‌اندرکاران نهادهای آموزشی، فرهنگی و رسانه‌های جمعی به ویژه رادیو و تلویزیون، جهت ارائه خدمات آموزشی مناسب، فرهنگ‌سازی و آگاهی‌دادن به والدین به‌منظور جلوگیری از کشمکش‌ها، طلاق، اعتیاد و غیره به دلیل اثرات سوء آن بر نوجوانان و جوانان؛
- ارائه خدمات مشاوره‌ای و مددکاری رایگان به افراد آسیب‌دیده و در معرض آسیب و همچنین برقراری ارتباط منطقی و متعهدانه با خانواده آن‌ها، به‌منظور شناسایی و اقدام در جهت ریشه‌کن کردن آسیب‌ها و نابسامانی‌های خانواده؛
- تشکیل سمینارها و دادن آگاهی‌های لازم به والدین و کلیه افراد خانواده و ارائه نگرش‌های تازه نسبت به مسائل نوجوانان و جوانان و آموزش والدین به‌منظور جامعه‌پذیری صحیح فرزندان در مواجهه با موقعیت‌های بحرانی و دشوار زندگی، وظایف، مسئولیت‌ها و تصمیم‌گیری صحیح آن‌ها؛
- تغییرات و دگرگونی‌های جدی و فراگیر در نظام آموزشی (برنامه‌های درسی) در راستای آموزش مهارت‌های زندگی و تقویت پایه و بنیان خانواده.

منابع

منابع فارسی

- ابادینسکی، هوارد (۱۳۸۳). جامعه‌شناسی مواد مخدر (محمدعلی ذکریایی، مترجم). تهران: نشر آینه کتاب.
- احمدی، حامد؛ دوستی، ایرج و میرفندرسکی، سید حسن (تابستان ۱۳۹۵). عوامل اجتماعی و خانوادگی مؤثر بر تغییر الگوی مصرف مواد مخدر و ارائه راهکارهای پیشگیرانه. مجله مطالعات پیشگیری از جرم. ۱۱(۳۹)، صص ۱۰۲-۶۸. بازیابی از: goo.gl/FhbeAL
- آیین‌نامه پیشگیری از اعتیاد، درمان معتادان به مواد مخدر و حمایت از افراد در معرض خطر اعتیاد. مصوب ۱۳۷۷.
- آیین‌نامه سازمان‌دهی کودکان خیابانی. مصوب ۱۳۸۴.
- باقری، معصومه، نبوی، عبدالحسین و ملتفت، حسین (تابستان ۱۳۸۹). بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر پدیده اعتیاد در شهر اهواز. مجله جامعه‌شناسی کاربردی. ۲۱(۲)، صص ۱۳۶-۱۱۹. بازیابی از: http://jas.ui.ac.ir/article_18156.html
- جمشیدی، علیرضا (بهار و تابستان ۱۳۸۸). گفتمان پیشگیرانه سیاست جنایی مشارکتی در لویح قضایی. مجله تحقیقات حقوقی. ۱(۱)، صص ۲۵۶-۲۳۱. بازیابی از: <http://fa.journals.sid.ir/ViewPaper.aspx?id=96117>
- چلیبی، مسعود و روزبهانی، توران (بهار ۱۳۸۰). نقش خانواده به‌عنوان عامل و مانع بزهکاری نوجوانان (با تکیه بر نظم در خانواده). مجله پژوهش‌نامه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید بهشتی. ۱(۲۹)، صص ۱۳۲-۹۵. بازیابی از: <http://fa.journals.sid.ir/ViewPaper.aspx?ID=21798>
- حاجلی، علی؛ زکریائی، محمدعلی و حجتی کرمانی، سوده (تابستان ۱۳۸۹). نگرش مردم به سوءمصرف مواد مخدر در کشور. مجله بررسی مسائل اجتماعی ایران (نامه علوم اجتماعی)، ۱(۲)، صص ۸۱-۱۱۲. بازیابی از: <http://fa.journals.sid.ir/ViewPaper.aspx?ID=118987>
- خسروشاهی، قدرت‌الله و داوودی، ذوالفقار (پاییز ۱۳۹۳). پیشگیری زودرس از اعتیاد با رویکرد خانواده‌محور. مجله مطالعات پیشگیری از جرم. ۹(۳۲)، صص ۳۲-۹. بازیابی از: goo.gl/4d12fh
- خسروشاهی، قدرت‌الله و منصوری، حیدر (پاییز ۱۳۸۹). پیشگیری زودرس از بزهکاری با رویکرد خانواده‌مدار. مجله مطالعات پیشگیری از جرم. ۵(۱۶)، صص ۲۶-۷. بازیابی از: <http://www.magiran.com/view.asp?Type=pdf&ID=874195&l=fa>
- سالنامه آماری استان یزد (۱۳۹۲). اداره کل دفتر اطلاعات و آمار. معاونت برنامه‌ریزی استانداری یزد.
- سیاست‌های کلی مبارزه با مواد مخدر (۱۳۸۵).
- شامبیاتی، هوشنگ (۱۳۸۵). بزهکاری اطفال و نوجوانان. تهران: نشر ژوبین.
- شهره، سیام (زمستان ۱۳۸۵). بررسی شیوع سوءمصرف مواد اعتیادآور میان دانشجویان پسر شهرستان رشت. مجله دانشگاه علوم پزشکی زاهدان (طیّب شرق). ۸(۴)، صص ۲۸۵-۲۷۹. بازیابی از: <http://fa.journals.sid.ir/ViewPaper.aspx?id=60273>
- صدیق سروسستانی، رحمت‌الله (۱۳۸۸). آسیب‌شناسی اجتماعی (جامعه‌شناسی انحرافات). تهران: انتشارات سمت.
- فرجاد، محمدحسین (۱۳۷۰). آسیب‌شناسی اجتماعی و جامعه‌شناسی انحرافات. تهران: نشر دانشگاه تربیت‌معلم.
- قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (۱۳۸۳). بازیابی از: goo.gl/NsFT15
- قانون پیشگیری از وقوع جرم مصوب (۱۳۹۴).
- مدنی، سعید (۱۳۸۱). خانواده و اعتیاد. مجموعه مقالات دومین همایش آسیب‌های اجتماعی در ایران. تهران: نشر آگاه.
- مهدوی، محمود (۱۳۹۰). پیشگیری از جرم (پیشگیری رشد مدار). تهران: انتشارات سمت.
- نجفی ابرندآبادی، علی حسین و هاشم بیگی، حمید (۱۳۷۷). دانشنامه جرم‌شناسی. تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.



منابع انگلیسی

- Anderson, A. L. (2002). Individual and Contextual on Delinquency: The Role of The Single-parent Family. *Journal of Criminal Justice*, 30, 575-578. Retrieved from: <http://www.sciencedirect.com/science/article/pii/S0047235202001915>
- Hagan, J. & Foster, H. (2003). a Rebel: Toward a Sequential Stress Theory Of Delinquency And Gendered Pathways to disadvantage in Emerging Adulthood, *Social Forces*, 82, 53-86. Retrieved from: <http://heinonline.org/HOL/LandingPage?handle=hein.journals/josf82&div=7&id=&page>
- Hoffman, J. p. (2005). A Contextual Analysis of Differential Association, Social Control, and Strain Theories of Delinquency, *Social Forces*, 81(3):753-758. Retrieved from: <https://www.jstor.org/stable/3598175>
- Sakir, O., Aydin, E., Remzi, O., Yaser, T. & Suleyman, G. (2005). Juvenile Delinquency in A Developing Country: A Province Example in Turkey, *International Journal of Law and Psychiatry*, 28, 430-441. Retrieved from: <https://doi.org/10.1016/j.ijlp.2004.05.001>